



همایش گنگوهر تیرماه



سال ۱۴۰۳

مبحث عروض - علیرضا احمدی

شناخت انواع هجا

نام هجا	علامت هجایی	الگوی هجایی	مثال
۱ کوتاه	۱ U	صامت + مصوت کوتاه	ک - ث - ش - و
۲ بلند	۲ -	صامت + مصوت کوتاه + صامت	ش - ر - چُن
		صامت + مصوت بلند	تا - بو - سی
۳ کشیده	۳ U -	صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت	ش - ر - د - یخت
		صامت + مصوت بلند + صامت (+ صامت)	مار - ریخت

در بیت زیر با توجه به اختیارات شاعری تعداد هجاهای بلند و کشیده به ترتیب، کدام است؟

« از پای فتادیم چو آمد غم هجران / در درد بمردیم چو از دست دوا رفت » سراسری 99

(1) ده - پنج (2) ده - شش (3) یازده - چهار (4) یازده - پنج

توجه 1: هجای کشیده در شعر تجزیه می شود به یک هجای بلند و یک هجای کوتاه. (به جز هجای پایان مصراع که یک هجای بلند محسوب می شود).

توجه 2: در اوزان همسان دولختی، علاوه بر اینکه هجای پایان مصراع را بلند به حساب می آوریم، هجاهای پایان نیم مصراع نیز از این قاعده تبعیت می کند. منظور از هجای پایان نیم مصراع، آخرین هجای رکن دوم مصراع است.

آخر نیم مصراع آخر مصراع آخر نیم مصراع آخر مصراع

خور شراب عشق خوان قسم رود ز سر / کاین سر هر ک شد خاک در ساگا

نکات کلی خط عروضی

1- حروفی که در نوشتن وجود دارند ولی در خوانش، آن ها را نمی خوانیم، باید به همان شکل خوانشی، آن را تقطیع کنیم:

واژه «خویش» را به شکل «خیش» و واژه «خواهر» را به شکل «خاهر» تقطیع می کنیم.

2- حرفی که تشدید دارد، باید دوبار نوشته شود:

مَقْدَم - مَقْدَم

«جَبَّار»: جَب بار

و - -

3- «ه» غیر ملفوظ: زمانی که «ه» تلفظ نشود و صرفاً صدای «ه» بدهد، آن را به شکل کسره تقطیع می-کنیم:

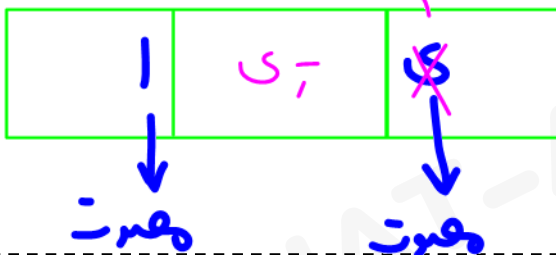
خانه، دانه، لانه و... = «خان»، «دان»، «لان»
اما اگر «ه» ملفوظ بوده، آن را به همان شکلی که هست تقطیع می-کنیم:

به (در معنای «بهتر») = به

افعیات زبکات

4- کلماتی مثل «بیابان، خیابان، خیال و...» در تلفظ روزمره، در هجای اولشان، مصوّت بلند «ای» دارند؛ اما وقتی بخواهیم آن-ها را در تقطیع شعر در نظر بگیریم، مصوّت بلند «ای» را به مصوّت کوتاه «ی» تبدیل می-کنیم:

بیابان
بیابان
خیابان
خیال



بیابان: بی یا بان
خیابان: خ یا بان
خیال: خ یا ل

تقطیع روبه روی همه مصراع ها درست است؛ به جز:

- 1) شیرین به در نمی رود از خانه بی رقیب: (شی رین پِ دَرِن می رَوِ دَز خان بی رَقیب)
- 2) خاک پایش بوسه خواهم داد آیم گو ببر: (خاکِ پا یَش بو سی خا هَم دا د آیم گو پِ بَر)
- 3) هرج از آن تلخ ترم گر تو بگویی شکر است: (هَر جَ زان تَل خ ت رَم گَر ت پِ گو یی شِ ک رِست)
- 4) بنده ام گو تاج خواهی بر سرم نه یا تبر: (بَن دِ آم گو تاج خا هی بر سِ رَم نِ یا تِ بَر)

کدام گزینه درباره رباعی زیر، نادرست است؟

«در خرقه توبه آمدم روزی چند / چشمم به دهان واعظ و گوش به پند»

ناگاه بدیدم آن سهی سرو بلند / وز یاد برفتم سخن دانشمند»

1) در یک مرتبه، مصوّت بلند پیش از «ن»، کوتاه به حساب می-آید.

2) در این رباعی، «ی» فقط به شکل مصوّت به کار رفته است.

3) مجموعاً هفت هجای کشیده در ابیات یافت می شود.

4) هر مصراع، دارای چهار رکن است و حذف همزه در ابیات مشهود است.

اوزان شعر فارسی به سه قسم، تقسیم می‌شود.

1. همسان تک پایه‌ای: اوزانی که دو رکن اولشان یکی است. مثل: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» یا «مفتعلن مفتعلن فاعلن»
2. همسان دو لختی یا همسان متناوب یا دوری: اوزانی که 4 رکن دارند و ارکانش یکی در میان، یکی است و بین مصراع یک مکث وجود دارد. مثل: «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن» یا «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن»
3. ناهمسان: وزنی که همسان نباشد، ناهمسان است: مثل: «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن» یا «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن»

وزن چند بیت دوری است ؟

سراسری خارج 96

الف) ای هستی از قصر فنا افکنده درویرانه ات / گل کرده از هر موی تو ادبار چینی خانه ات
ب) ز ترانه های ابرام خجل است فطرت اما / چه کند زبان سائل که غرض حیا ندارد
ج) کیست برون تازد از غبار توهم / عرصه شطرنج ما سوار ندارد
د) بی مطلبی نیست تشویش هستی / چون دوش مزدور ممنون بارم

1) یک (2) دو (3) سه (4) چهار

وزن مصراع زیر با کدام مصراع یکسان است ؟

سراسری 1400

« گر خون من ز شیشه بریزد به جام او »

1) کافر فرو بسته ام هیچ گشتیش ندید (2) هیچ مرغ دلی از حلقه زلف تو نجست

(3) ز شرم عارض او لاله بست برخ ماه (4) گاهیش ز راحت عشاق خسته نیست

ناهن

هنا دری

لقمه: دو وزن «مفاعیل فعاتیل مفاعیل فعاتیل» و «مفاعیل فعاتیل مفاعیل فعاتیل» خیلی شبیه به هم هستند و به دلیل شباهت زیادشان، در تست ها زیاد مطرح می شوند. اگر با این اوزان در تستی روبه رو شدید، حتماً به رکن آخر آن ها توجه کنید.

فعیل ← - - - - -
فعاتیل ← - - - - -
فعیل ← - - - - -
فعاتیل ← - - - - -

وزن کدام بیت، متفاوت است؟

- 1) تو را که درد نباشد ز درد ما چه تفاوت / تو حال تشنه ندانی که برکناره ی جو یی
- 2) در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم / بدان امید دهم جان که خاک کو ی تو باشم
- 3) همای اوج سعادت به دام ما افتد / تو را اگر گذری بر مقام ما افتد
- 4) ندانمت به حقیقت که در جهان به که مانی / جهان و هر چه او هست، صورتند و تو جانی

لقمه: در حل سوال «کدام ابیات را می توان به دو صورت دسته بندی هجایی کرد؟» به رکن «مفعول» در ابتدای مصراع دقت می کنیم. گزینه های که با دو جای بلند و یک هجای کوتاه (مفعول) آغاز شد قابلیت برش هجایی دوگانه را دارد چرا که اوزانی که این قابلیت را دارند که همگی با رکن «مفعول» آغاز می شود.

ناهن	مفعول	مفاعیل	مفاعیل	فعیل	=	مستفعل	مستفعل	مستفعل	فع	ناهن
نهین	مفعول	مفاعیل	مفاعیل	فعولن	=	مستفعل	مستفعل	مستفعل	مسف	نهین
نهین	مفعول	مفاعیل	مفاعیل	فعولن	=	مستفعل	فاعات	فع	لن	نهین
نهین	مفعول	مفاعیل	مفاعیل	فعولن	=	مستفعل	فاعات	مفعولن		نهین
نهین	مفعول	فاعات	مفاعیل	فاعیل	=	مستفعل	مفاعیل	مستفعل	فعیل	نهین
نهین	مفعول	مفاعیل	مفعول	مفاعیل	=	مستفعل	مفعولن	مستفعل	مفعولن	نهین
نهین	مفعول	فاعاتیل	مفعول	فاعاتیل	=	مستفعل	فعولن	مستفعل	فعولن	نهین

دوبینگ: دقت داشته باشید که وزن **مستفعلن** **مستفعلن** **مستفعلن** **مستفعلن** تنها وزنی است که با دو هجای بلند و یک هجای کوتاه آغاز می شود ولی یک دسته بندی هجایی دارد.

کدام ابیات را می توان به دو صورت دسته بندی هجایی کرد؟ (سراسری 99)

- الف) عشقم آتش زد و آب مژه از سر بگذشت / پی آن گوهر یک دانه به دریا زده ام
- ب) وقتی نشد که بی دوست بر حال خود نگریم / روزی نشد که در عشق بر کار خود نخندیم
- ج) ای بت دل پسند من هر سر موت بند من / کاکل تو کمندمن طرّه تابدار هم
- د) نقد جان بر سر سودای جنون باخته ایم / ایمن از وسوسه عقل زیان کار شدیم
- ه) از بس عرق شرم نشسته است به رویم / محروم ز نظاره آن روی نکویم

(۴) ب، ه

(۳) ب، د

(۲) الف، ه

(۱) الف، ج



لقمه: وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن»، وزن همسان محسوب می شود.

چرا که برش هجایی دوم آن «مستفعل مستفعل مستفعل مستف» است و همواره برش هجایی همسان نسبت به برش هجای ناهمسان در اولویت است.

تست : وزن کدام بیت هم صورت همسان دارد و هم صورت ناهمسان؟

(1) اعظم قوام دولت و دین آنکه در برش / از بهر خاکبوس نمودی فلک سجود

(2) در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست / مست از می و میخواران از نرگس مستش بین

(3) دل می رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را / دردا که راز پنهان خواهد شد اشکارا

(4) آن ترک پری چهره که دوش از بره ما رفت / آیا چه خطا دیده که از راه خطا رفت ؟

اختیارات شاعری

زبانی: حذف همزه، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

وزنی: ابدال، قلب، بلند بودن هجای پایان مصراع و آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن

هرگاه الف نوشته نشود ولی خوانده نشود

1. حذف همزه:

امکان حذف همزه: در زبان فارسی هرگاه پیش از همزه آغاز یک هجاء صامتگی بیاید، همزه را می توان حذف کرد. برای مثال در ترکیب «پیش از» همزه پیش از آغاز کلمه ی «از» را به سبب وجود یک صامت قبل از آن می توان حذف کرد و به صورت «پیشز» (- -) تلفظ کرد. همانطور که مشاهده می کنید با تلفظ بدون همزه این ترکیب، تقطیع هجایی متفاوتی خواهیم داشت.

نکته: حذف همزه فقط در مواضعی از شعر رخ خواهد داد که بنا به ضرورت شعری، در تقطیع هجایی به اختلافی میان هجاها برخورد کرده باشیم؛ در آن صورت برای یکسانی هجاهای دو مصراع می توان همزه را حذف کرد.

مثال: این شور که در سر است ما را / وقتی برود که سر نباشد

پیش از

این	شو	ر	ک	در	س	رَس	ت	ما	را
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
وق	تی	ب	ر	ود	ک	سر	ن	با	شد

چون سرآمد دولت شب‌های فصل / بگذرد ایام هجران نیز هم

چُن	سَ	را	مد	دُو	لَ	تَ	شَب	ها	ی	وصل
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
بَگ	دَ	رَد	اَی	یَا	مَ	هَیج	رَان	نِی	زَ	هَم

در این مثال «سرآمد» (سرآمد) حذف همزه رخ داده، اما در مصرع دوم علی رغم این که «بگذرد ایام» قابلیت حذف همزه را دارد. همزه آغازین کلمه «ایام» حذف نمی شود زیرا در آن صورت این ترکیب به صورت «بگذردی یام» (U U - -) تلفظ می شود. که با مصراع نخست همخوانی نداشت. بنابراین حذف همزه نه در همه جا که فقط هنگام ضرورت در تلفظ رخ خواهد داد. همچنین در هجای هفتم مصراع نخست این بیت یک اختیار زبانی دیگر به نام «تغییر کمیت مصوت ها» رخ داده که توضیح خواهیم داد.

دوبینگ: اگر قبل از الف همزه آغاز هجا، حرف صامتی قرار بگیرد می توان الف همزه را حذف کرد

مثال: : درآن، پیش آمدم دران، پیشامدم
درآن حال پیش آمدم دوستی / کزو مانده بر استخوان پوستی
دَ ران / حَا / ل پی شا / مَ دم دو / س تی

حذف همزه در کدام بیت بیشتر صورت گرفته است؟ سراسری خارج 99

- 1) عاقبت سیلابم از سر بگذرد چون دم به دم / رای می گیرم بر آب چشم و دیگر می چکد
- 2) ستیز آوری کارا هریم است / ستیزه به پر خاش آبتن است
- 3) دامن گردون پراز خون جگر بینم به صبح / بس که در مهر تو اشک از چشم اختر می چکد
- 4) گویا عزم ندارد که شود روز امشب / یا در آید ز در آن شمع شب افروز امشب

تغییر کمیت مصوت کوتاه

2. بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه: این اختیار شاعری در چهار جا اتفاق می افتد:

اول: بلند تلفظ کردن مصوت های کوتاه پایان کلمه

نبینی باغبان چون گل بکارد / چه مایه غم خورد تا گل برارد

وزن این بیت، «مفاعیلن مفاعیلن فاعلن» است و در هجای سوم مصراع دوم (ای)، ما نیاز به یک هجای بلند داریم؛ اما می بینید که هجای کوتاه آمده است. پس این مصوت کوتاه، باید به شکل بلند تلفظ شود:

هـ در ماه تو جویم هم از فصل تو جویم

ج م ا ی = U - -

همش

دوم: بلند تلفظ کردن کسره ی اضافه

دَلش ✓

توانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود

وزن این بیت، «فعولن فعولن فعولن فعل» می باشد. تقطیع بیت را ببینید:

تَ وَا نَا / بُ وُد هَر / کِ دَا نَا / بُ وُد

ز دَا نَش / دِ لِ پِی / ر بَر نَا / بُ وُد

همانطور که می بینید، در هجای دوم رکن دوم مصراع دوم (لِ)، ما نیاز به یک هجای بلند داریم؛ در صورتی که هجای کوتاه آمده است؛ بنابراین، این مصوّت کوتاه باید به شکل بلند تلفظ شود.

سوم: بلند تلفظ کردن فتحه در کلمه ی (نه) و بلند تلفظ کردن ضمه در واژه «تو» و «دو» که به ندرت به کار می رود:

نِه - تُو - دُو

نِه سبُو پیدا در این حالت نِه آب / خوش ببین ولله اعلم بالصواب

تُو کجایی تا شوم من چاکرت / چارقت دوزم کنم شانه سرت

چهارم: بلند تلفظ کردن ضمه (و)

به صد جان ارزد آن رغبت که جانان / نخواهم گوید و خواهد به صد جان

وزن بیت «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» است و هجای «دُ» در مصراع دوم، باید به شکل بلند «دُو» تلفظ شود.

تمامی ابیات به جزگزینه..... فاقد اختیار «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» هستند.

1) ساقی بیا که دور فلک شد به کام ما / خورشید را فروغ ده از عکس جام ما ✗

2) نارفته دم ز وعده باز آمدن زند / تا دروصال یاد دهد اضطراب را ✗

3) پیراهن از کتان و دمام ز سادگی / نفرین کند به پرده دری ماهتاب را /

4) نازم فروغ باده ز عکس جمال دوست / گویی فشرده اند به جام آفتاب را

لَا عَکْسُ

3. کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند (ای)

راستی آموز، بسی جوفروش / هست درین کوی که گندم نماست

وزن بیت، «مفتعلن مفتعلن فاعلن» می باشد و هجای سوم مصراع اول (تی)، یک هجای بلند است در صورتی که باید یک هجای کوتاه باشد. بنابراین، آن مصوت بلند را به شکل مصوّت کوتاه تلفظ می کنیم.

نکته: مصوت بلند «ی» در کلماتی مانند «سیاست»، «بیاور»، «حالی»، «زیاد»، «عامیانه» و از این قبیل که در میان و وسط کلمه ای ساده با پسوند یا پیشوند یا ضمیر متصل باشد، همواره به صورت کوتاه تلفظ می شود و دیگر اختیاری وجود نخواهد داشت.

4. کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «او»

در چنان روز مرا آرزویی خواهد بود

وزن مصراع، «فاعلاتن فعاتلن فعطن فعطن» می باشد، تقطیع مصراع را ببینید:

در چ نان رو / ز م را آ / ر زو یی خا / هد بود

همانطور که می بینید، «زو» یک هجای بلند است و در رکن «فاعلاتن»، دومین هجا، باید بلند باشد؛

بنابراین، «زو» را به شکل «زُ» تلفظ می کنیم.

کدام بیت فاقد اختیار «حذف همزه» و دارای «تغییر کمیت مصوت ها» است؟

(1) بود که یار نرنجد ز ما به خلق کریم / که از سؤال ملولیم و از جواب خجل

(2) نبود چو پرده بیگانگی حجاب تو را / به هرچه غیر خدا گردی آشنا ای دل

(3) نه دست با تو در آویختن نه پای گریز / نه احتمال فراق و نه اختیار وصول

(4) نه گربه ای که روی در جوال و بسته شوی / که شیر پیش تو بر ریگ می زند دنبال

اختیارات وزنی: آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن، بلند بودن هجای پایان مصراع، ابدال، قلب

1. آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن:

زمانی که وزن واژه اصلی، «فاعلاتن» باشد، شاعر می تواند فقط و فقط در رکن اول وزن، به جای «فعلاتن»، از «فاعلاتن» استفاده کند:

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن

تکنیک: اگر اولین هجای بعد از «فاعلاتن»، هجایی کوتاه بود، به احتمال زیاد این اختیار را داریم:

دوست دارم که بیوشی رخ همچون قمر / تا نبیند چو خورشید به هر بام و درت

«ی» و «دُ» در مصراع اول و مصراع دوم هجای کوتاهی هستند که پس از فاعلاتن آمده اند.

نیم مصراع چیست؟

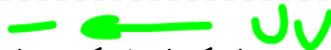


در توضیح اوزان دوری گفتیم «درست در وسط هر مصراع در اوزان دوری یک مکئی وجود دارد.» به قبل و بعد این مکث ها یک نیم مصراع می گوییم. برای مثال در بیت زیر که وزنش مفتعلن فاعلن مفتعلن مفاعلن است:

شور شراب عشق تو، آن نفسم رود ز سر / کاین سر پرهوس شود خاک در سرای تو

«شور شراب عشق تو» نیم مصراع اول است «آن نفسم رود ز سر» نیم مصراع دوم است و «کاین سر پرهوس شود» نیم مصراع سوم است و «خاک در سرای تو» نیم مصراع چهارم است. همانطور که می بینید بین این نیم مصراع ها می توانیم مکث و درنگ کنیم.

در همین بیت دقت کنید. در پایان نیم مصراع نخست و در پایان نیم مصراع چهارم هجای کوتاهه (تُ) آمده است و بنابر اختیاری وزنی بلند بودن هجای پایانی بلند تلقی می شود.



3. ابدال: شاعر می تواند گاهی به جای دو هجای کوتاهه، از یک هجای بلند استفاده کند

(توجه: عکس این صحیح نیست.)

دو نوع ابدال داریم:

ابدال کلاسیک: هرگاه در پایان وزنی که قاعدتاً باید «فاعلن» بیاید، «فع لن» آمد، ابدال داریم. یعنی شاعر می توان به جای فاعلن، فع لن بیاورد.

لـ در آخر مصراع

اوزانی که قابلیت ابدال کلاسیک را دارند:



قاعده ابدال



مثال: درد عشقی کشیده ام که می پرس ← وزن: فاعلاتن مفاعلن فاعلن / ابدال ندارد. چون رکن آخرش «فاعلن» است و هجای ماقبل آخرش بلند نیست، پس فاعلن به فع لن تبدیل نشده است.

نتیجه گیری ← شرایط ابدال کلاسیک: 1. آخر وزن بیت فعلن باشد. 2. هجای ماقبل آخر بلند باشد.

مثال: من آن نیام که حلال از حرام نشناسم / شراب با تو حلال است و آب بی تو حرام



فاعلن

لـ در ابدال دار



در همه جای مصراع

2. ابدال تابلو: هرگاه 4 هجای بلند به نحوی که در ریتم شعر سخته ایجاد کنند، بیاید ابدال تابلو داریم.

مثال اول: ای از رخ شاه جان، صد بیدق را سلطان / بر اسب نشین ای جتن تا غاشیه برگیرم

وزن بیت: «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن»

ای از رُ / خِ شاهِ جان / صد بی دق / را سل طان

— — — —

مثال دوم: خوشا هوا، گلستان و خواب در بستان / اگر نبودی تشویش بلبل سرزم

وزن بیت: مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن

فعیلن — — — — فعیلن

در ابتدای وزن واژه «فاعلاتن»، دو هجای کوتاه وجود دارد که شاعر به جای آن دو هجای کوتاه، یک هجای بلند «دی» آورده است.

علاوه بر ابدال تابلو در این بیت، ابدال کلاسیک هم در بیت وجود دارد.

نکته مهم درباره ابدال تابلو:

هرکجا که 4 هجای بلند پشت سر هم قرار گرفتند، با ابدال روبهرو نیستیم؛ شرط مهمی که در اینجا وجود دارد، آن است که حتماً وزن دچار ناهنجاری و سخته شود. پس ابدال تابلو دو شرط دارد:

1- 4 هجای بلند پشت سر هم، 2- ناهنجاری وزنی در آن مصراع

بیت زیر را ببینید:

«عقلم بدزد لختی چند اختیار دانش / هوشم ببر زمانی تا کی غم زمانه؟»

بیت فاقد اختیار ابدال تابلو است.

در کدام بیت ابدال دیده نمی شود؟

(1) چه نعمتی است تو را تا به شکر آن کوشی / به حیرت اندر از کار چون تو مسکیم

(2) عشق پیرانه سر از من عجب می آید؟ / چه جوانی تو که از دست ببردی دل پیر

(3) سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت / آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت

(4) آمد نوروز هم از بامداد / آمدنش فرخ و فرخنده باد

مفاعیلن مفعیلن فاعیلن

— — — —
— — — —
— — — —

4. قلب: شاعر به ضرورت می تواند يك هجاي بلند و يك هجاي کوتاه کنار هم را جابه جا کند مانند:

مفتعلن -UU- تبدیل می شود به مفاعیلن -U-U- یا برعکس

۵۲۹:

اوزانی که در محدوده کنکور، قابلیت داشتن اختیار قلب دارند:



برای مثال اگر وزن یک مصراع «مفتعلن فاعلن مفاعیلن

فاعلن» باشد و وزن مصراع بعدی «مفتعلن فاعلن مفاعیلن

فاعلن» قلب داریم.

مفتعلن فاعلن مفاعیلن فاعلن
مفتعلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
مفتعلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
مفتعلن مفاعیلن فاعلن

منتقلن ماعلن مفاعیلن فاعلن

تکنیک: شعر را به روش عروض چشمی تقطیع کنید و اسلش بزنید. برای مثال در مصراع «کیست که

پیغام من / به شهر شروان برد» وزن یایی کنید و سپس تقطیع چشمی کنید. مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن ← مفتعلن (کُی شِ کِ پی) فاعلن (غا م مَن) مفتعلن (بِ شِه رِشِر) فاعلن (وان بَ رَد) حالا کار راحت تر شد. می بینید که در رکن سوم به جای مفتعلن، مفاعیلن داریم! به قلب سلام کنید :

مثال دیگر:

سینه خاقانی اگر بشویی از ننگ عنا / پیش خدایگان تو را بیش کند نناگری

وزن بیت با توجه به مصراع دوم، «مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن» می باشد. تقطیع مصراع اول را ببینید:

سی ن ی خا / قان ی گر / ب شو ی یز / زن گ ع نا
مفتعلن / مفتعلن / مفاعیلن / مفتعلن

وزنی که از بیت به دست آمده را با وزن اصلی تطابق دهید. در این مصراع، 3 اختیار قلب داریم:

1- رکن دوم باید «مفاعیلن» باشد در صورتی که «مفتعلن» آمده است.

2- رکن سوم باید «مفتعلن» باشد در صورتی که «مفاعیلن» آمده است.

3- رکن چهارم باید «مفاعیلن» باشد در صورتی که «مفتعلن» آمده است.

در کدام گزینه قلب وجود دارد؟

(1) شور شراب عشق تو آن نفسم بود ز سر / کاین سر پر هوس شود خاک در سرای تو

(2) وه که جدا نمی شود نقش تو از خیال من / تا چه شود به عاقبت در طلب تو حال من

(3) کس نگذشت بردلم تا تو به خاطر من ی / یک نفس از درون من خیمه به دردمی زنی

(4) پس از صبوری کنون منم که از طبع من / قاعده نظم و نثر روان حسان برد

-U-U-

-U-U-

-U-U-

-U-U-

-U-U-

نکته: در کتاب درسی ذکر شده است که اختیار قلب، فقط در اوزان «مفتعلن» و «مفاعِلن» رخ می‌دهد و در کنکور خارج 1401 و اردیبهشت 1403 بر این موضوع تاکید شده بود.

اختیار قلب، در وزن رباعی (مفعول مفاعیل مفاعیل فعل) نمی‌تواند رخ دهد.

اگر رکن «مفاعیل»، تبدیل به «مفاعِلن» شود، با اختیار قلب مواجه هستیم ولی در کنکور آن را قلب تلقی نمی‌کنیم.

«چون عمر به سر رسد چه شیرین و چه تلخ / پیمانه چو پر شود چه بغداد و چه بلخ»

می‌بینید که رکن دوم مصراع اول، به جای آن که «مفاعیل» باشد، «مفاعِلن» است؛ بنابراین، با اختیار وزنی قلب روبه‌رو هستیم.

در کدام بیت سه نوع اختیار وزنی به کار رفته است؟

✓ (1) چه کند بنده حقیر فقیر / که نباشد به امر سلطانیش
مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن

✓ (2) نیکخواها در آتشم بگذار / وین نصیحت مکن که بگذارش
مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن

✗ (3) ای سرو روان رخ بنما و قدمی نه / بر چشم به حسرت نگرانی که مرا هست
مفعول مفاعِلن مفاعِلن

✗ (4) سعدیا گر به جان خطاب کند / ترک جان گوی و دل به دست آتش
مفعول مفاعِلن مفاعِلن

بیت زیر «فاعد» کدام اختیارات شاعری است؟
مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن

«دو دولت است که یک بار آرزو دارم / تو در کنار من و شرم از میان رفته»
مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن

✓ (1) تغییر کمیت مصوت بلند، آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن (2) ابدال، تغییر کمیت مصوت کوتاه

✓ (3) حذف همزه، ابدال (4) تغییر کمیت مصوت کوتاه، بلند بودن هجای پایانی مصراع

وزن شعر نیمایی:

شعر نیمایی دارای وزن عروضی است؛ اما برخی محدودیت های شعر کلاسیک و عروض سنتی را ندارد. در شعر کلاسیک تعداد هجاها و چایه ها (ارکان) دو مصراع و نیز نوع هجاها مقابل هم در مصراع، با یکدیگر یکسان است و شاعر تنها می تواند از ابزار اختیار شاعری برای تغییرات جزئی در هجاها، چنان که گفته شد، استفاده نماید. در شعر نیمایی نیز ترتیب و نوع هجاها یکسان است و همین عامل، موجب ایجاد نوعی موسیقی و آوا در این نوع شعر می شود؛ منتها شاعر مقید به تساوی تعداد هجاها در مصراع ها (یا بندها) نیست و به همین دلیل مصراع در این نوع شعر ممکن است کوتاه و بلند شود. مثلاً در عروض سنتی هرگاه وزن مصراع نخست «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» باشد، وزن مصراع دوم نیز لزوماً «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» خواهد بود. در شعر نیمایی این حالت کمی متفاوت است؛ بدین صورت که مثلاً اگر وزن بند نخست «فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن» بود، مصراع دوم می تواند بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن» باشد. البته دو نکته مهم در این نوع شعر وجود دارد:

مثال :

می تراود مهتاب / فاعلاتن فع لن (-U-- / -- می ت را ود / مه تاب)

می درخشد شب تاب / فاعلاتن فع لن (-U-- / -- می د رخ شد / شب تاب)

نیست یک دم شکند خواب به چشم کس ولیک / فاعلاتن فاعلاتن فعلن **دزن اصلی**

(نیست یک دم / شکند / ب چشم / کس / لیک / -UU-U-UU-UU-)

غم این خفته چند / فاعلاتن فعلن (UU-UU- / غ م این خف / ت ی چند)

خواب در چشم ترم می شکند / فاعلاتن فاعلاتن فعلن

(خاب در چشم / م ت رم می / شکند / -UU-UU-U-)

وزن مقابل کدام شعر نیمایی نادرست آمده است؟

- / - - - - -

(1) زندگی زیباست / گفته و ناگفته، ای بس نکته‌ها کاینجاست: فاعلاتن فع / فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع 

(2) پای می‌شوید و می‌اندیشد / کار در شالیزار: فاعلاتن فاعلاتن فعلن / فاعلاتن فعلن 

(3) به نصیحت می‌گفتم / کار بخرد نه چنین است: فاعلاتن فعلن / فاعلاتن فاعلاتن 

(4) لباس لحظه‌ها پاک است / میان آفتاب هشتم دی ماه: مفاعیلن مفاعیلن / مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن 

- - - - - / - - - - - / - - - - - / - - - - -

نکته: کوتاهی و بلندی مصراع‌های یک شعر، در برخی قالب‌های شعری کهن نیز وجود داشته است؛ مثلاً

قالب شعری «مستزاد» نمونه بارز این عدم رعایت کوتاهی و بلندی مصراع‌ها در شعر کلاسیک است:

گشته عیان
اندر جهان
چون بوستان

ای کامگار سلطان، انصاف تو به کیهان
مسعود شهریاری، خورشید نامداری
ای اوج چرخ جای، گیتی زروی و رایت

نام گذاری اوزان:

وزن حاصل از تکرار برخی ارکان که در حیطه کتاب درسی و کنکور سراسری مورد پرسش قرار می‌گیرد این چنین است:

فاعلاتن ← بحر رمل

مفاعیلن ← بحر هزج

فعولن ← بحر متقارب

مستفعلن ← بحر رجز

اما چند نکته در رابطه با بحور عرضی:

الف) کوتاه ترین مصراع در شعر فارسی دو رکن و طولانی ترین آنها 4 رکن دارد و در مجموع بیت‌های شعر فارسی، 4، 6 یا 8 پایه یا رکن خواهند داشت. مثلاً اگر شعری بر وزن «فاعلاتن» سروده شده و در هر مصراع رکن «فاعلاتن» چهار بار تکرار شده باشد، مجموع ارکان آن، هشت «فاعلاتن» خواهد بود، در آن صورت نام وزن شعر «رمل» خواهد بود. پس اگر تعداد ارکان در هر مصراع سه و در مجموع شش رکن باشد، آن را «مسدس» و اگر تعداد ارکان در هر مصراع دو و در مجموع چهار رکن باشد آن را «مربع» می‌نامیم. گاهی در سوالات فقط یک مصراع آورده می‌شود، در آن صورت نیز نامگذاری وزن شعر با توجه به تعداد پایه های آوایی کل بیت صورت می‌گیرد و نه فقط پایه های آوایی یک مصراع.

ب) گام آخر در نامگذاری وزن یک بیت، پس از دریافت « وزن واژه » و « تعداد پایه های آوایی » آن بیت، توجه به « نوع پایه پایانی بیت » است. اگر رکن پایانی شعر کامل باشد، آن را « سالم » و اگر یک هجا از رکن پایانی حذف شده باشد، آن را « محذوف » یا (مقصور) می‌نامند. مثلاً اگر وزن شعر « فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن » باشد « سالم » و اگر « فاعلاتن فاعلاتن فاعلن » باشد « محذوف » خواهد بود.

در جدول پیش رو تمامی اوزانی که نام بحر آنها ممکن است در حیطه کتاب و کنکور سراسری مورد پرسش قرار گیرد آورده شده است؛ به خاطر سپردن نام اوزان شعری یکی از راههای حل سوالات این مبحث است.

وزن	نام وزن
۱. مستفعّل	رجز مئمن سالم
۲. مستفعّل	رجز مسدس سالم
۳. مستفعّل	رجز مربع سالم
۴. مستفعّل	رمل مئمن سالم
۵. مستفعّل	رمل مئمن محذوف
۶. مستفعّل	رمل مسدس سالم
۷. مستفعّل	رمل مسدس محذوف
۸. فعولن	مقارب مئمن سالم
۹. فعولن	مقارب مئمن محذوف
۱۰. مفاعیلن	هزج مئمن سالم
۱۱. مفاعیلن	هزج مسدس محذوف

۱- وزن واژه ۲- تعداد رکن ۳- رکن آخر

اما حتی بدون نیاز به حفظ کردن نام اوزان، با بررسی همان سه مورد گفته شده نیز می توان نام اوزان را دریافت. به مثال های زیر توجه کنید :

مثال: روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد / چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد.

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

روزگار رس / تسن ک گه عز / زت د هد گه / خا ردا رد

چرخ بازی / گرا زین با / زی چ ها بس / یا ردا رد

وزن بیت از تکرار رکن «فاعلاتن» (رمل) تشکیل شده. هر مصراع چهار رکن دارد و کل بیت در مجموع هشت (مئمن) رکن دارد. از رکن پایانی هجایی حذف نشده است (سالم) پس نام وزن شعر «رمل مئمن سالم» است.

مثال: به نام آنکه جان را فکرت آموخت / چراغ دل به نور جان برافروخت

مفاعیلن مفاعیلن فاعولن

به نام آن / که جان را فک / رتا موخت

چ را غ دل / به نور جان / ب رف روخت

وزن این بیت از تکرار «مفاعیلن» (هزج) تشکیل شده. هر مصراع سه رکن و کل بیت در مجموع شش (مسدس) رکن دارد. از رکن پایانی یک هجا حذف شده و «مفاعیلن» در رکن پایانی به صورت «فاعولن» درآمده است (محذوف). پس نام وزن شعر «هزج مسدس محذوف» است.

مثال: اگر مرد عشقی کم خویش گیر / وگرنه ره عافیت پیش گیر

فاعولن فاعولن فاعولن فعل

اگر مر / د عش قی / ک م خی / ش گیر

وگرن / ره عا / فیت پی / ش گیر

وزن بیت بالا از تکرار رکن «فاعولن» (مقارب) تشکیل شده است. هر مصراع چهار رکن و کل بیت در مجموع دارای هشت (مئمن) رکن است. از رکن پایانی یک هجا حذف شده و «فاعولن» در رکن پایانی به صورت «فعل» درآمده است (محذوف). لذا نام وزن این بیت «مقارب مئمن محذوف» است.

مثال: دریای هستی دم به دم / در چرخ و تاب و پیچ و خم

مستفعلن مستفعلن

دریای هس / تی دم ب دم / در چرخ تا / ب پی ج خم

به ندرت بیتی همانند بیت قبلی دارای دو رکن در هر مصراع و در مجموع چهار رکن در هر بیت است (مربع). هر مصراع نیز دارای دو «مستفعلن» (رجز) کامل و بدون ناقصی است. پس نام وزن این بیت «رجز مربع سالم» است.

مفعول مفعول مفعول مفعول

نام وزن مقابل کدام مصراع، درست است؟

- (1) به هجران مرا سهل شد دادن جان: متقارب مثنی محذوف ← سالم
- (2) در رزم غیرای بی وفا بهر خدا مگذار پا: رجز مثنی محذوف ← سالم
- (3) داشتی در سرکه خونم ریزی از چشم: رمل مسدس سالم ✓ ← مفعول مفعول
- (4) ندانم قرص خورشید است یا رو: هزج مسدس سالم

تست بزنیم :

- ۱- درباره رباعی زیر، کدام گزاره‌ها از دیدگاه «عروض و قافیه» نادرست است؟
 «آن کس که تو را نقش کند او تنها نگذاردت میان سودا»
 در خانه تصویر تو یعنی دل تو/ بر رویاند دو صد حریف زیبا»
 الف) رباعی در وزن ناهمساز مفعول مفاعیل مفاعیل فعل سروده شده است.
 ب) قافیه آن بر اساس قاعده ۱ است و حرف روی آن صامت «ا» است.
 ج) فاقد حذف همزه و دارای اختیار تغییر کمیت مصوت در هر دو بیت است.
 د) مصراع‌های زوج دارای ابدال و مصراع‌های فرد، فاقد این اختیار وزنی‌اند.
 ۱- الف، ب ۲- ب، د ۳- ج ۴- ب، ج

۲- کدام گزاره از لحاظ «عروض و قافیه» درباره رباعی زیر درست است؟

آزادی و عشق چون همی نامد راست/ بنده شدم و نهادم از یکسو خواست
 زین پس چنان که دارم دوست رواست/ گفتار و خصومت از میانه برخاست

- ۱- وزن رباعی مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل است.
- ۲- فاقد اختیار شاعری ابدال است.
- ۳- حرف اصلی قافیه دو واج دارد و «ت» حرف روی است.
- ۴- دو مورد حذف همزه و دو تغییر کمیت مصوت مشهود است.

۱- آزادی
 ۲- بنده

۳- کدام گزاره درباره بیت زیر نادرست است؟

من و غم از این پس که دور از رخ تو/ چه باشد اگر یک شبی پیشم آیی؟

۱- نام وزن عروضی آن «مستقارب مثنی سالم» است. ۷۳ - -

۲- چهار مرتبه از حذف همزه استفاده شده است. ۳ بار

۳- وزن آن قابل دسته‌بندی هجایی دوگانه نیست. ارلشی - - ن یایده

۴- بیت فاقد هجای کشیده است.

۴- نوع بحر کدام بیت «سالم» است؟

- - - - - : فاعل

۱- جسم خاکی مانع عمر سبک‌رفتار نیست/ پیش این سیلاب، کی دیوار می‌ماند به جا؟

۲- تا سر زلف پریشان تو در جمع آمد/ هیچ مجموع ندانم که پریشان تو نیست. فعل

۳- همچنان عاشق نباشد و ر بود صادق نباشد/ هر که درمان می‌پذیرد یا نصیحت می‌نیوشد - - - - -

۴- رفتنی داری و سحری می‌کنی/ کاندرا آن عاجز بماند سامری - - - - -

۵- خط عروضی کدام مصراع درست آمده است؟

۱- نمانده بود مرا طاقِ جدایی او: ن مان د بود م را طاق ت ج دای او ای نیست

۲- خواهم که دهم جان به تو میلِ دلم این است: خا هم ک د هم جان پ ت می ل د لم این است ای نیست

۳- خوش لب و خوش دهن و چابک و شیرین حرکات: خ ش ل بو خ ش د ه نو چا ب کو شی رین خ ر کات ای نیست

۴- حسن هم داد خدا بروی حسن عجبی: ح سن هم داد خ د ا بروی ح سن ن ع ج بی ای نیست

۶- در کدام بیت سه نوع اختیار وزنی دیده می‌شود؟

۱- تا بود بار غمت بر دل بی‌هوش مرا/ سوز عشقت ننشاند ز جگر جوش مرا - - - - -

۲- گر نظر صدق را نام‌گنه می‌نهند/ حاصل ما هیچ نیست جز گنه اندوختن - - - - -

۳- مجنون عشق را دگر امروز حالت است/ کاسلام دین لیلی و دیگر ضلالت است - - - - -

۴- گر کسی سرو شنیده‌ست که رفته‌ست این ارباب/ یا صنوبر که بناگوش و برش سیمین است - - - - -

بِأَمْرٍ

- $$10\lambda - 9\lambda$$

جواب ال $--U-U--UU-U-U$

-

«در خیال روزهای به‌شمن گز دست رفتندم / من به روی آفتابم / می‌برم در ساحت دریا نظاره / و همه دنیا خراب و خرد از باد است / و به ره، نی زن که دائم می‌نوازد نی، در این دنیای ابراندود / راه خود را دارد اندر

۱- فاعلاتن - چهارم ۲- فاعلاتن - چهارم ۳- مستفعلن - اول ۴- فاعلاتن - اول

الف) کنیزکی چینی است به باغ درنسترن/سپید و نغزو لطیف جو خواهرش یاسمن

ب) بلبل بر شاخ گل نغمه سراید همی / نغمه‌اش از لوح دل زنگ زداید همی
ج) خاکی در احتمال آبی در روشنی / بادی در سرکشی نازی در توسنی

دا جلیل جون آدمی  جمیل جون یوسفی / در صف شہزادگان تو ز ہنر سرصفی

(٣) ج، الف

۴) د ب

مقطعین و اعانہ معطین : Org

$\sigma_{1/2} \leftarrow$

۱۱- در همه گزینه‌ها اختیارات شاعری به درستی مشخص شده‌اند، به جز ...

۱- سحر دم او شکست رونق گویندگان / چون دم مرغان صبح / نیروی شیران غاب
(قلب، بلند بودن هجای پایانی)

۲- همه شب جان من است و غم خوابی تا روز / عاقبت در سر ایشان رود ار، جان این‌ست
(حذف همزه، ابدال)

۳- گرم و سردی دید این دل کر خط رخسار تو / نیمه‌ای در سایه ماند و نیمه‌ای در آفتاب
(آوردن فاعلاتن، به جای فعلاتن، تغییر کمیت مصوت کوتاه)

۴- ساقی نیم‌مست من جام لبالب آرتا / نقل معاشران کنم این دل خام‌سوز را
(کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، حذف همزه)

ص + ۶ + م
- + ۶ + م

۱۲- کدام بیت فاقد حذف همزه و دارای بیشترین اختیار زبانی تغییر کمیت مصوت کوتاه است؟

- ۱- ندارد حاجت مشاطه روی گل‌عذار ما / پر طاووس مستغنی است از نقش و نگار ما
- ۲- زمین از سایه ما گر شود نیلی، عجب نبود / که کوه قاف می‌بازد کمر در زیر بار ما
- ۳- نشستن بر سر راه تحیر عالمی دارد / که هر کس می‌رود از خویش می‌گردد دچار ما
- ۴- به گیتی شد عیان از شیوه عجز اضطرار ما / ز پشت دست ما باشد قماش روی کار ما

۱۳- درباره بیت «دو لب چو دو تا لعل و دو یاقوت شکر بار / دو رخ چو دو گلبرگ و دو

خورشید ز ره‌پوش» نمی‌توان گفت ...
۱- وزن آن دو دسته‌بندی هجایی دارد.
۲- دروزنی سروده شده است که می‌تواند برش همسان و برش ناهمسان داشته باشد.

۳- در هر مصراع یک اختیار زبانی مشهود است.

۴- دارای اختیار کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند است.

دو لب چو دو تا لعل و دو یاقوت شکر بار / دو رخ چو دو گلبرگ و دو خورشید ز ره‌پوش

۱۴- کدام ابیات دارای اختیار کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند هستند؟

الف) تو دارو و درمان دل و دیده ریشی / بیرون زدل و دیده تو را جا نتوان کرد

ب) گر چه باشد بار و غم‌خوارت بس / داف هجرش کرد از آن افکارتر

ج) روز خوش گشت و هوا صافی و گیتی خرم / آب‌ها جاری و می روشن و دل‌ها بی‌غم

د) در همه شهر از دهان تنگ تو / بر من کار ازین دشوارتر

ه) گر نه آن سرو افکند بر شاخ طوبی سایه / هر ورق در شرح بی بگی بر آرد دفتری

۱- الف، ب ۲- ب، د ۳- الف، ج ۴- د، ه

۱۵- وزن کدام بیت ناهمسان و دارای دو دسته‌بندی هجایی است؟

- ۱- از وصل صدف گهر گریزان است / بر حسن غریب، خانه زندان است ← معجول مفاعیلن مفاعیلن
- ۲- بی‌خودی رفتن است دل‌ها را / هوش واماندن است دل‌ها را ← فاعلاتن مضارع فعلن
- ۳- عنان به دست فرومایگان مده زنه‌ار / که در مصالح خود خرج می‌کنند تو را ← مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن
- ۴- اگر چه بی‌صفا گردد زگرد آینه روشن / یکی صد شد زگرد خط، صدای گل‌عدار ما ← مفاعیلن
- ملفوظات

۱۶- کدام بیت دارای اختیار آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن و ابدال است؟

- ۱- تا به دام غمش آورد خدا، داد مرا / هر چه می‌خواستم از بخت، خدا داد مرا
- ۲- من که تا صبح، دعا گوی تو هستم همه شب / چه شود گر تو به دشنام کنی یاد مرا
- ۳- غم ندارم که به بند تو گرفتار شدم / غم آن است که ترسم کنی آزاد مرا
- ۴- نتوانم ز خداداد بگیرم دادم / کاش گیرد ز خداداد خدا داد مرا

۱۷- در کدام مصراع اختیار وزنی بلند بودن هجای پایانی دیده نمی‌شود؟

- ۱- گر چه نه به دریایم دانه گهریم آخر
- ۲- اشتر جمال عشق است با قد و سرفرازی
- ۳- اندیشه کن از آن‌ها کاندیشه‌هاست دانند
- ۴- بگذشت شب هجران معشوق پدید آمد

۱۸- توضیح مقابل کدام بیت نادرست آمده است؟

- ۱- ببرید خیاط ازل دو جامه بر اندام ما / بپر تو گلگون قبا وز بهر من خونین کفن
(مصوت کوتاه در واژه «دو» بلند تلفظ می‌شود.)
- ۲- فصل بهار شد بیا تا به خم آوریم رو / کز سر شط خم کشیم آب طرب سبو سبو
(تقطیع واژه «بیا» به شکل U- است.)
- ۳- خون مرا چشم جادوی تو نمی‌ریخت / از پی قتل لب به شیرزد انگشت
(دو اختیار زبانی در بیت مشهود است.)
- ۴- شکست خار کهن / آشیان گلزارم / همی شنیده‌ام از بلبلان بهاری هست
(بیت فاقد حذف همزه است.)

«هر که را خوابگاه آخر مشتی خاک است / گو چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را؟»

۴) حذف همزه - کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

(۱) و نیمه شب/ها با زورق قدیمی اشراق: --UU-U-(U--UU-U-U

۲) عطسه آب از هر رحنه سنگ: UU- UU- UU-

(۳) رفتم تا وعده گاه کودکی و شن:- UU -U-U-U-U-U-

(۴) مرداب می‌گشاید چشم ترسید: -U-U- -UU-U-U-